

اعتصاب غذای ۲۷ تیر ماه و مهمانان دوره رونق طبقه کارگر

نیما صداقت

سی یک تیرماه هشتاد و شش

به دنبال دستگیری محمود صالحی از چهره‌های سرشناس و یکی از رهبران جنبش کارگری ایران، کمیته‌ایی تحت نام "کمیته دفاع از محمود صالحی" اعلام موجودیت کرد. این کمیته توسط کارگران و فعالین کارگری که دربرگیرنده بیشتر از صد نفر کارگراست و همچنان که در اطلاعیه اعلام موجودیتش ذکر شده است فعالیت خود را به صورت علنی در تاریخ ۲۷ فروردین ماه ۱۳۸۶ در دفاع از محمود صالحی و مبارزه برای لغو احکام صادره علیه دیگر فعالین کارگری شروع کرد. فعالیتهای این کمیته از بدو اعلام موجودیتش را همگان شاهد هستند و برای اطلاع بیشتر میتوان به وبلاگ کمیته دفاع از محمود صالحی (۱) مراجعه کرد.

در تاریخ ۲۷ تیر ماه همگام با صدمین روز زندانی کردن محمود صالحی، کمیته، فراخوان اعتصاب غذای ۲۴ ساعته را اعلام کرد. فراخوان با استقبال شمار زیادی از تشکلهای، نهادها، کمیته‌های کارگری، فعالین کارگری و اجتماعی در ایران و خارج کشور قرار گرفت. اما در کنار آن عده معدودی این حرکت اعتراضی را مورد نقد قرار داده و همچنین آن را به روزه سیاسی تشبیه کرده اند. به عنوان یک کارگر که به این اعتصاب غذا به دفاع از همزنجیرانم و علی‌الخصوص محمود صالحی و همچنین دیگر فعالین دربند پیوستم، تلاش دارم که هدف از اعتصاب غذای ۲۷ تیر ماه را با توجه به شرایط و وضعیت موجود توضیح داده و امید به اینکه نقدهای سکتاریستی و بی مسئولانه به همه همطبقه‌ایه‌ایم که در این اعتصاب غذا شرکت کرده بودند خدشه‌ایی وارد نسازد.

چرا اعتصاب غذا؟! !!

جمهوری اسلامی در آستانه اول ماه مه و به دنبال دستگیری محمود صالحی، فضائی مملو از رعب و وحشت براه انداخت تا از این طریق جنبشهای اعتراضی از جمله جنبش کارگری را به عقب وا دارد. از طرفی دیگر با دستگیری برگزار کنندگان اول ماه مه سنندج، دستگیری دانشجویان چپ و بعدها ربودن منصور اسانلو آنها در روز روشن عزم خود را برای سرکوب هر چه بیشتر جنبشهای اعتراضی جزم کرده است و در شرایط فعلی فعالین کارگری را سرگرم محاکمه و دادگاه میکند. در چنین شرایط متشنجی "کمیته دفاع از محمود صالحی" فراخوان اعتصاب غذای ۲۴ ساعته را به عنوان یک حرکت نمادین اعلام کرد تا راه برون رفت از شرایط موجود را هموار کرده و بتواند یکبار دیگر فعالین کارگری و دیگر انسانهای آزادیخواه را حول یک مطالبه واقعی وزنده متحد کند. اعتصاب سمبلیک ۲۷ تیر، محمود صالحی را یکبار دیگر در کارگاهها، کارخانه‌ها و خیابانها مطرح کرد. دفاع از محمود صالحی به عنوان قهرمان و سنبل مبارزه طبقاتی را نه تنها در بین محافل کارگری بلکه بیرون از محافل کارگری هم مطرح کرد. این حرکت میتواند زمینه ساز تحركات بعدی در سطح سراسری باشد و در آینده‌ایی نزدیک شاهد حرکات به مراتب بزرگتر و تجمعات گسترده در سطح کشور خواهیم بود.

به علاوه این اعتصاب در مدت زمان کوتاهی توانست افکار عمومی را به سمت وضعیت اسفبار محمود صالحی از لحاظ جسمانی، جلب و نیز حرکتی را در بین توده ها ایجاد کند.

این اولین حرکت بزرگی در داخل بود که در اعتراض به زندانی کردن محمود صالحی صورت گرفت. در خارج کشور هم سیل حمایت اتحادیه ها و تشکل های کارگری که بعضاً به صورت تظاهرات خیابانی از فراخوان اعتصاب صورت گرفته است را شاهد هستیم.

اعتصاب غذای ۲۴ ساعته کارگران و روزه سیاسی

روزه به عنوان یکی از ارکان دینی به معنی رضایت کامل از زندگی است. روزه داران، نه تنها شکایتی از زندگی خود ندارند بلکه معتقدند که آنچه را که به آنها بخشیده شده است از سر زیادی است. در نتیجه با گرفتن روزه تلاش دارند که برای مدت سه روز (در قالب سیاسی) و یا یک یا سی روز از لذتها و خوشیهای زندگی خود را محروم کنند تا قدر این همه نعمات را بدانند و توقعشان بیشتر از این نباشد. روزه چه در قالب سیاسی و غیرسیاسی عملاً نشانه اعتراض نیست. با این تعریف نمیتوان به روزه جنبه سیاسی داد و این موضوع حتی برای ناسیونالیستهای کرد دوم خرداد که فراخوان روزه سیاسی را اعلام کرده بودند هم قابل تعریف بود. اینکه چپ ناکام اعتراض سیاسی و ۲۴ ساعته کارگران انقلابی را درسزمینی که اعتراض کارگرا به رگبار میبندند و زبان کارگرا میبرند، به روزه سیاسی تشبیه میکند حتی دردناکتر از آن تفاوت یک اعتراض سیاسی مشخص را با یک حرکت مذهبی تشخیص نمیدهد و بی سواد و بی اطلاعی خود را از تاریخ اعتصاب غذا به نمایش میگذارد، جای تاسف فراوان است. راستی همزمان سوسیالیستهای ترکیه که در سیاه چالهای ترکیه جان باختند و یا مبارزان ایرلندی چه قضاوتی در مورد این نوع نگرشهای سطحی و بی مسئولانه دارند. اینکه کسی به اسم چپ جهالت خود را اینطوری به نمایش میگذارد، برای چپهای ۵۷ ی خارج کشوری باید خیلی دردناک باشد.

در فضای رعب و وحشتی که محافظین سرمایه به راه انداخته اند. در دنیایی که صدای هرگونه اعتراض و آزادیخواهی با وحشیانه ترین شیوه سرکوب میشود. در جامعه ای که در روز روشن فعالین کارگری را دزد قلمداد میکنند و آنها را با غیر انسانی ترین شیوه زندان و شکنجه میدهند. روز نامه نگاران را به اعدام محکوم میکنند. در جامعه ای که جان انسان هیچ ارزشی ندارد و حرمت بشر به رسمیت شناخته نمیشود. در شرایطی که کارگران از ابتدائی ترین حقوق خود بی بهره اند و رهبرشان، محمود صالحی را با کمتر از نصف کلیه ای در شرایطی اسفبار اسیر کرده اند و اسانلو را میربایند، آنگاه دفاع از انسانیت، دفاع از کرامت بشر، دفاع از حیثیت طبقاتی و دفاع از آزادی، تنها در گرو دفاع از طبقه کارگر میسر خواهد بود.

اعتصاب غذای ۲۷ تیرماه، نه تنها در سطح ایران بلکه در سطح بین المللی هم مطرح شد. دوستان هوادار موقتی و مهمانان دوره رونق طبقه کارگر، می بایستی به این اعتصاب میپیوستند و بعداً هم میشد در مورد نفس کار که کجایش اشکال داشت و حرکت بعدی چکار بکنیم، صحبت کنند. در این صورت نقد و بحثشان جدی و صمیمانه تلقی میشد. اما نمیشود نظاره گر اعتصابی شد و در آن شرکت نکرد و در مورد اشکالات اعتصاب، اعتصابچیان را هم سرزنش کرد. سنت کارگران اعتصابی این است که اعتصاب شکن ها را کتک میزنند. جالب است اعتصاب شکن بیاید و طلبکار هم باشد.

میگویند " محمود صالحی فعال کارگری شهر سقز است. و ما را کارگران کردستان خطاب میکنند." به این می گویند ذکاوت فرقه ای- محلی. (دوستان یادشان رفته که ما کارگریم و بر حسب تصادف تو کردستان ویا تهران بدنیا آمده ایم.) اگر کسی بیايد تاريخ احيا و حضور مجدد جنبش کارگری ایران را بنویسد، نمیتواند از نقش و جسارت محمود صالحی در سال ۱۳۸۳، چشم پوشی کند. چپی که تا دیروز، در دوران رکود فعالیت طبقه ما، چشمشان به سوی افشار میانی و جوانان طبقه متوسط که مادونا، سپایس گیرل و بویزون گوش میدهند، بود. به قول ایرج جمشیدی که در آن دوران به لیدر این چپ گفت: " آقای خاتمی هم همین حرفهای شما را میگویند اما ایشان میخواهند بطور مسالمت آمیز." این محمود صالحی بود که نگاه ها را بسوی طبقه کارگر چرخاند و نقطه آغاز تحركات کارگران ایران شد. اسمش برای خیلی از تشکلهای و نهادها و کارگران مبارز جهان آشناست. در خیابانهای تهران با پلاکارد بزرگی اسمش حمل میشد و کارگران شعار آزادی محمود صالحی را در اول مه امسال سر دادند. ولی چپ ناکام میخواهد او را آگاهانه فعال یک شهر کوچک معرفی کند.

ایجاد تشکلات مستقل کارگری و برگزاری مراسم مستقل اول ماه مه، ضمیمه نام محمود صالحی است. کارگران و زحمتکشانی که سفره خالی خود را نظاره میکنند، محمود صالحی را رهبر خود میدانند و میفهمند که محمود در دفاع از ایدههای شیرین و انسانی اسیر گشته است. فعالین کارگری که جو سرکوب بر سر آنها سنگینی میکند، میفهمند که محمود برای به قدرت رساندن آنها به مثابه طبقه کارگر مبارزه میکند. محمود قدرت سیاسی را از هر دستجاتی که سنگ دلسوزی را بر سینه میزنند میگیرد و آن را به همزنجیرانش تقدیم میکند، محمود دارد در این راه جان میدهد. دفاع از محمود دفاع از حثیت طبقه کارگر است. دفاع از او ایستادن در مقابل تعرض به طبقه کارگر است.

طبیعی است که فرقه چپ ۵۷ ی چند نفره و تک نفره که در حاشیه جامعه اروپا زندگی میکنند، این را درک نمیکند و از عینک فرقه بدنیا نگاه میکند. اعتراض کارگر را با روزه سیاسی ناسیونالیستهای کرد دوم خردادی و متعصبین مجاهد و پکاکا تشبیه میکنند. اگر محمود مهترانید بر سکت بیروح و در حال انقراض اینها میکوبید، این دوستان مجنون و سرخورده، که در دنباله روی کور کورانه، اغراق و هاله تقدس درست کردن و کیش شخصیت استادند، با چنان آب و تابی از محمود نام میبردند، که تصورش برای هر ناظر خارجی غیر قابل باور بود. لطفا کمی از دنیای فرقه گری خود بیرون بیاید و علیرغم اینکه در مسایل کارگری صاحب نظر نیستید، حداقل مطالعه بکنید و نیازهای طبقه کارگر را متوجه بشوید. بی خودی مثل آقای رجوی و رضا پهلوی پیامها و تحلیل های آبی ندهید. واقعا چندش آوراست برای کسی که در مقام رهبری یک سازمان چپ باشد اما مثل شاگرد تنبل کلاس اکابر ظاهر شود. رشد بکنید و دستاوردهای عظیم جنبش کارگری و چپ غرب را بخوانید.

(۱) - www.kdmahmodsalehi.blogfa.com

نیما صداقت،

کارگر یکی از مراکز تولیدی در تهران و عضو "کمیته دفاع از محمود صالحی"

۳۰ تیر ۱۳۸۶

www.kdmahmodsalehi.blogfa.com